

# قرآن، حامی اتحاد و نافی تفرقه

سید احمد زرهانی



تماشای این صحنه‌های هولناک بسنده کنند و خود را از معرکه دور نگاه دارند، بلکه باید از موضع آمران به معروف و ناهیان از منکر در کنار عالمان، مصلحان و اندیشه‌ورزان مسلمان وارد صحنه چاره‌اندیشی و اصلاح شوند و مناسبات را بر وفق مصالح مسلمانان تغییر دهند.

سکوت در مقابل انحطاط و اضمحلال تدریجی شوکت مسلمانان، گناهی نابخشودنی است و آثار سوء آن گریبان‌گیر همگان می‌شود. خداوند به درستی می‌فرماید: «وَأْتَقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۱</sup>. وقتی آتش فتنه و برادرکشی شعله‌ور می‌شود، هیچ کس در مصونیت به سر نمی‌برد و تبعات آن فراگیر می‌شود. مشاهده تحولات منفی و خانمان برانداز و بی‌اعتنایی به دردهای سخت و آشکار بیکره امت مسلمان، افق پیش روی را تیره‌تر می‌کند و انسجام امت را متلاشی می‌سازد. در چنین هنگامه‌ای، خواص و عوام همه

امت مسلمان در حال اندوختن تجربه‌های ناگوار و تلخی از تفرقه و تضاد است. اکثر قریب به اتفاق مسلمانان در طول تاریخ باهم زندگانی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند و امروز هم اهل قبله کینه‌ای از همدیگر در دل ندارند. اما همواره جریانهای متعصب و سخت‌گیری بوده‌اند که متأثر از برداشتهای نادرست و تنگ نظرانه، اسباب تنازع و تنش را فراهم آورده و مسلمانان را به جان هم انداخته‌اند. در شرایط کنونی هم جهان اسلام دستخوش امواج تفرقه و اختلاف شده است. از رهگذر این وضع ناهنجار در گوشه و کنار، جان، مال و سرزمین بی‌گناهان مورد تعرض قرار می‌گیرد و حرث و نسل در آتش خشم و خشونت می‌سوزد. سیاستمداران، عالمان، متفکران و مصلحان جهان اسلام باید برای رهایی امت اسلامی از این مصائب چاره‌اندیشی کنند و جلوی گسترش طوفان تفرقه را بگیرند. آنان امید به سیاستمداران وابسته به استعمار نیست. آنان برای حفظ قدرت، مرتکب هر منکری می‌شوند، ولی دولت‌مردان مستقل و مردمی نباید به

۱. انفال، ۲۵.



مسئولیت دارند و باید به بازنگری افکار و رفتار خود بپردازند و تا خود را اصلاح نکنند، نباید انتظار تحول مثبتی داشته باشند. به تعبیر زیبا و تکان دهنده قرآن مجید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۲</sup>، اگر امروز ابرهای تفرقه و تکفیر آسمان بخشی از جهان اسلام را کدر کرده است، در مقابل بارقه‌های بیداری اسلامی هم نوید صبح می‌دهد و جوانه‌های امید را در دلها می‌رویاند و موحدان حکیم باید به مهندسی تحولات سازنده و احیای اخوت اسلامی و تجدید عزت و انسجام مسلمانان همت گمارند و با زدودن زنگار تعصبات خام، فضا را برای همدلی مهیا کنند.

رسالت اصلی عالمان، مصلحان و دولتمردان مسلمان، بلکه عموم مسلمانان، این است که با تاسی از پیامبر(ص) بر قلّه یکتاپرستی بایستند و صف خود را از تفرقه انگیزان جدا کنند. خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»<sup>۳</sup>. وارثان حقیقی آراء و اندیشه‌های متقن نبوی، باید روی عبارت پرمغز «لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» قدری تأمل کنند و جایگاه خود را در این برهه پرآشوب مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار دهند و اگر نسبتی با اهل تفرقه دارند، از آن نسبت تبری جویند و موضع خود را منطبق با سنت پیامبر(ص) اصلاح کنند. در منطق قرآن تفرقه، انشعاب و گروه‌گرایی در ردیف

عذاب هولناک آسمانی و زمینی و تالی تلو سونامی است. خداوند حکیم می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ تُصْرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»<sup>۴</sup>.

حال باید از کسانی که با ادعای مسلمانی در آتش تفرقه، فتنه و برادرکشی هیزم می‌ریزند، پرسید در روز «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»<sup>۵</sup> که بسیار نزدیک است، در برابر این انذارهای الهی چه پاسخی دارند و چرا با شادکامی و به مصداق «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»<sup>۶</sup> به دستاوردهای بی‌ارزش خود در وادی تحزب و تفرقه مبتهج و مفتخر هستند؟ وقتی در جهان اسلام آن همه فقر، عقب افتادگی، بیماری و درماندگی، جمع کثیری از مسلمانان را رنج می‌دهد، انتحار و انفجار در مساجد، بازارها و مراکز اسلامی چه معنایی دارد؟ کدام انسان فرزانه‌ای این اعمال را از مصادیق «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۷</sup> تلقی می‌کند؟ هنگامی که استعمار و استکبار و صهیونیسم مثل یک اژدهای مخوف در کمین جهان اسلام نشست و اراده کرده است، تا جلوی ظهور تمدن نوین اسلامی را سد کند، چرا باید مسلمانان به منازعات داخلی روی آورند و فضای زندگانی را تیره و تار کنند؟ دانشگاهها، حوزه‌های علمیه و مراکز تحقیقاتی

۴. انعام، ۶۵.

۵. صافات، ۲۴.

۶. مؤمنون، ۵۳؛ روم، ۳۲.

۷. مائده، ۲.

۲. رعد، ۱۱.

۳. انعام، ۱۵۹.



و آینده پژوهی دنیای اسلام باید دست به کار شوند و برای تغییر معادلات تحمیلی چاره‌اندیشی کنند و افکار عمومی را به صلح و برادری فراخوانند. امروز قدرتهای استعمار با ترفندهای آشکار به جنگهای داخلی مسلمانان دامن می‌زنند و با رندی دلارهای نفتی را می‌گیرند و انبار اسلحه به دولت‌ها و گروه‌های متخاصم می‌فروشند و بی‌اعتنا به حقوق بشر و فقر و آوارگی برخاسته از این جنگ‌ها، با درآمدهای سرشار، به عیش و نوش می‌پردازند و از طریق اتاق فکرها تفرقه را تئوریزه می‌کنند و به ساده‌لوحی ما می‌خندند و قرآن مجید چه حکیمانه فرموده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۸</sup> و افسوس که بخش قابل توجهی از وجاهت جهان اسلام در اثر این تنازعه‌ها از بین رفته است و برخی از دولتمردان کشورهای اسلامی مثل اطفال صغیر خود را در آغوش رجال استعمارگر و مستکبر می‌اندازند و از آنان درخواست عزت و تمنای نوازش و حمایت دارند! در حالی که می‌دانند «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۹</sup> و لبخند مستکبران صرفاً در جهت حفظ و ارتقای منافع نامشروع خودشان است و این قبیل دریوزه منشان را منهای تمکن و فوایدشان به حساب نمی‌آورند و شگفتا معاصران دیدند که قدرتهای شیطانی با محمدرضا شاه و حتی مبارک در هنگام ادبارشان چگونه برخورد کردند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»<sup>۱۰</sup>

اکنون که تنازع در میان مسلمانان رخ داده است، باید بر مبنای حکمت قرآنی و با اعتقاد راسخ به مبدأ و معاد به خدا و پیامبر(ص) پناه برد و با ارجاع اختلافات و منازعات به قرآن و سنت و عترت پیامبر(ص) راهکار پیدا کرد آن‌گونه که قرآن مجید به ما تعلیم می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»<sup>۱۱</sup> ما مسلمانان اگر به خاطر استنباطهای فقهی تبدیل به پیروان تعدادی از مذاهب اسلامی شده‌ایم و هرکدام بر وفق اجتهاد و تفقه عالمان خود به وظایف دینی عمل می‌کنیم، ولی در اصل شاخ و برگ یک درخت هستیم و همه باهم برادریم و آن‌گونه که خداوند فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱۲</sup> و به مقتضای این اخوت آسمانی باید به اصلاح ذات بین روی آوریم و از کیان امت واحده صیانت کنیم که خداوند قوام بخش این امت است که فرموده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»<sup>۱۳</sup> به امید روزی که در اثر نسیم رحمت الهی همه باهم برای رضای خدا قیام کنیم و جهان اسلام را از گرداب تضاد و تنش بیرون آوریم. ان شاء الله.



۸. انفال، ۴۶.

۹. منافقون، ۸.

۱۰. حشر، ۲.

۱۱. نساء، ۵۹.

۱۲. حجرات، ۱۰.

۱۳. انبیاء، ۹۲.